

بررسی معنای عبارت «من دون الله» و نقد ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم

رضا رهنما^{۱*}، محمد پارچه باف دولتی^۲

دکتری فلسفه اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
استادیار گروه کلام، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران

پذیرش: ۹۷/۱۲/۱

دریافت: ۹۷/۴/۲۹

چکیده

ترکیب «من دون الله»، با این ساختار، یا با جایگزینی ضمیر به جای لفظ الله، یکی از پرکاربردترین عبارات قرآنی بوده و ۱۱۳ بار در کلام خدای متعال به کار رفته است. دقت در معنا و ترجمه این عبارت از آن جهت دارای اهمیت است که خطا در فهم معنای آن، تاثیر بسزایی در عقیده توحید به همراه دارد. این پژوهش در صدد بوده است که با روشی توصیفی-تحلیلی، ۱۰ ترجمه از هفت آیه از قرآن کریم را در معرض داوری قرار دهد و در آن نشان داده شده است که قریب به اتفاق مترجمان، در ترجمه این عبارت از واژه‌هایی استفاده نموده‌اند که تنها معنای غیریت را می‌رسانند و «من دون الله» را به معنای «الا الله» و «غیرالله» ترجمه کرده‌اند؛ در حالی که مراجعه به کتب لغت و دقت در ظرایف معنایی حرف «من» و نیز توجه به تفاوت میان «من دون» و «من لدن»، نشان می‌دهد که ترجمه صحیح برای این ترکیب می‌بایست علاوه بر معنای «غیریت»، انفصال از خداوند را نیز نشان دهد.

واژگان کلیدی: من دون الله، واژه «دون»، ترجمه فارسی قرآن، مصادیق شرک

۱- مقدمه

حفظ آیات قرآن کریم از تحریف و تصحیف، همواره یکی از دغدغه‌های عالمان مسلمان بوده است؛ به گونه‌ای که کم‌تر کتابی با موضوع علوم قرآنی نوشته شده که در آن به مسأله مصونیت قرآن از تحریف، اشاره نشده باشد. با این حال به نظر می‌رسد مسأله تحریف، غیر از جنبه لفظی آن، جنبه‌های معنوی متعددی دارد که عدم توجه به آن‌ها ما را از دستیابی به بسیاری از معارف قرآنی محروم می‌کند.

بدون تردید یکی از مهم‌ترین مصادیق تحریف معنوی، در مقام ترجمه، رخ می‌دهد. در نظر نگرفتن معنای اصلی ریشه‌ها، ترجمه نکردن معانی خاص حروف و چشم‌پوشی از معنای ساختارها، از جمله مصادیق تحریف معنوی به‌شمار می‌رود. بررسی روایات نیز، نشان می‌دهد که تبیین اهل بیت علیهم السلام، همواره مطابق مبانی لغت و قواعد زبان عربی بوده است؛ بلکه ایشان گاهی فهم نادرست مردم را با ارجاع به قواعد زبان، اصلاح می‌نمودند (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹: ۲۸۲). لذا به نظر می‌رسد توجه تام به معنای واژه‌ها و انتقال ظرایف معنایی در مقام ترجمه، از اهمیت بسیاری برخوردار است و یک مترجم از آن حیث که مترجم است، ملزم است آنچه را در ظاهر الفاظ قرآن وجود دارد با دقت و بی‌کم و کاست به زبان مقصد منتقل کند.

یکی از عبارات قرآنی که به صورت گسترده و در موضوعات متعددی در قرآن کریم استعمال شده، عبارت «من دون الله» است. بررسی آیات قرآن کریم، نشان می‌دهد کلمه «دون»، ۱۴۴ مرتبه در ۱۴۲ آیه از قرآن کریم آمده که از آن میان، ۷۰ مورد مربوط به ترکیب «من دون الله» است. همچنین، «من دون»، همراه با ضمیر کاف، ۲ مرتبه، همراه با ضمیر نا، ۱ مرتبه، همراه با ضمیر هاء، ۳۷ مرتبه و همراه با ضمیر یاء، ۳ مرتبه، به خدای متعال ارجاع داده شده است. بنابراین جمعاً، ۱۱۳ مرتبه ترکیب «من دون»، در ارتباط با خدای متعال در قرآن کریم استعمال شده است؛ مروری بر ترجمه‌های فارسی قرآن

بررسی معنای عبارت «من دون الله» و نقد ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم — رضا رهنما و محمد پارچه‌باف دولتی

کریم نشان می‌دهد اغلب مترجمان، این عبارت را به صورت «غیر از خدا» و «جز خدا»، ترجمه کرده‌اند.

۱-۱- سوالات پژوهش

پرسش اصلی این پژوهش، این است که «آیا صرفاً تأکید بر معنای «غیریت» برای ترجمه عبارت «من دون الله»، کفایت می‌کند یا این که می‌بایست ظرایف معنایی دیگری نیز لحاظ گردد؟»

پاسخ به این پرسش را می‌توان در ضمن پاسخ به سوالات زیر بدست آورد:

۱- ترجمه دقیق واژگان موجود در عبارت «من دون الله» چیست؟

۲- ترکیب‌های قرآنی مقابل با «من دون الله»، چگونه ترجمه شده است؟

۳- بهترین ترجمه پیشنهادی برای عبارت «من دون الله» چیست؟

تلاش شده است که پاسخ به سوالات فوق، در ضمن تحلیل ترجمه هفت آیه از قرآن کریم که اثرات کلامی مهمی دارند، بدست آید.

۲-۱- پیشینه پژوهش

همان‌طور که در این پژوهش نشان داده خواهد شد، استعمال قرآنی ترکیب «من دون الله»، دایره گسترده‌ای از مسائل کلامی همچون توسل، شفاعت، دعا و عبادت را شامل می‌شود. بر این اساس، مفسران قرآن نیز، در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام، همواره این آیات را مورد دقت قرار داده‌اند؛ با این حال بررسی تفاسیر مشهور، حاکی از آن است که تأکید بر معنای «غیریت»، برای تفسیر «من دون الله»، اختصاصی به ترجمه‌های فارسی قرآن نداشته و عالمان مسلمان نیز در مقام تفسیر این آیات، غالباً «من دون الله» را به معنای «غیر از خدا» دانسته‌اند (به عنوان نمونه ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۲۰۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۵۸؛ همان، ج ۷: ۱۹؛ همان، ج ۹: ۴۴۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۴۷؛ همان، ۷۲۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۱۱۳؛ همان، ۲۸۲؛ همان، ج ۴: ۱۲۰؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۵۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸:

۲۶۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱: ۴۶۶؛ طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۸: ۵۲۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۶۹؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۶: ۵۹؛ ابن عثیمین، ۱۴۲۳: ۵۴).

علاوه بر آنچه در تلاش‌های عام مفسران به چشم می‌خورد، دو پژوهش نیز به صورت خاص در این مورد انجام شده است. نویسنده مقاله «نقد تفسیر وهابیون از آیات من دون الله» (ر.ک: اسدی گرمارودی، ۱۳۹۵)، معتقد است، مفسران وهابی به اشتباه از عبارت «من دون الله»، معنای غیرخدا را برداشت کرده و لذا، ولی غیرخدا، شفیع غیرخدا، خواندن غیرخدا را شرک و کفر دانسته‌اند» (همان، ۲۹)؛ در حالی که توجه به «اصول تفسیر و ضوابط تبیین آیات» (همان، ۲۹)، نشان می‌دهد که نظر آنان مبتنی بر «تفسیر غلط از عبارت من دون الله است» و تفسیر صحیح این است که در بسیاری از موارد «من دون الله» را در مقابل «من قَبِلَ الله» تفسیر کنیم (همان، ۳۰).

مقاله دیگری نیز با عنوان «نقد معناشناختی بر ترجمه‌های فارسی واژه دون، در قرآن کریم» (گلی ملک آبادی و دیگران، ۱۳۹۶)، واکاوی دقیق «دون» را موضوع اصلی خود قرار داده و سپس به بررسی ترجمه‌های فارسی قرآن پرداخته است.

پژوهش حاضر بر آن است که نشان دهد:

اولاً تأکید صرف بر معنای «غیریت»، منجر به حذف بخشی از معنای ظاهری عبارت «من دون الله» می‌شود؛ برخلاف پژوهش نخستین که تمرکز خود را بر تفسیر و نه ترجمه، قرار داده است و حتی اذعان می‌کند که «شاید ظواهر برخی آیات، این معنا [غیریت] را در نظر سطحی و غیرعمیق تأیید کند، به عنوان مثال در آیه ۱۰۷ سوره بقره آمده است: ﴿وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾» (اسدی گرمارودی، ۱۳۹۵: ۳۱).

ثانیاً اگرچه پژوهش دوم به درستی به تبیین جایگاه نحوی «دون» و معانی مختلف آن در آیات قرآن پرداخته و این امر را نیز به خوبی سامان بخشیده است، اما با در نظر نگرفتن معنای حرف «من»، ترجمه‌ای غیردقیق از عبارت «من دون الله»، ارائه داده است.

لذا تأکید این پژوهش بر معنای ذاتی حرف «مِن» و سپس بررسی تقابلی معنایی موجود میان «من دون»، از یک طرف و «من لدن» و «من عند»، از طرف دیگر است. در نهایت، ترجمه فارسی آیاتی از قرآن کریم که عدم فهم صحیح معنای آنان اثرات کلامی مهمی دارند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این ترجمه‌ها عبارتند از: «آیتی، حداد عادل، رضایی، شعرانی، صفارزاده، صفوی، فولادوند، فیض الاسلام، معزی و مکارم شیرازی».

تلاش شده است، گستره انتخاب ترجمه‌ها به گونه‌ای باشد که علاوه بر معاصر بودن مترجمان و اشتغال آنان بر فقها، مفسرین و زبان‌شناسان، روش‌های گوناگون ترجمه اعم از تحت‌اللفظی، آزاد، مفهوم‌گرایانه و تفسیری را نیز شامل شود.

۲- بررسی لغوی

همان‌طور که پیش از این بیان شد، برای دستیابی به ترجمه‌ای صحیح از عبارت «مِن دون»، ابتدا این ترکیب به صورت جزء به جزء بررسی شده و سپس به صورت یک‌جا معنا می‌شود و در نهایت نیز با ارائه شواهدی از کاربرد آن توسط لغت‌شناسان، تصور صحیحی از معنای «من دون الله» ارائه می‌گردد.

۲-۱- معنای لغوی «مِن»

ابن هشام، برای حرف «مِن»، ۱۵ معنا ذکر کرده است. وی اولین معنای آن را «ابتدای غایت»، دانسته و این معنا را معنای غالبی معرفی کرده است؛ به گونه‌ای که عده‌ای از علمای نحو، معتقدند سایر معانی «مِن» به ابتدای غایت برمی‌گردد (ابن هشام، ۱۴۲۱، ج ۴: ۱۳۶). زمخشری نیز، بر این مسئله تصریح کرده است (زمخشری، ۱۹۹۳: ۳۷۹).

ابن یعیش در شرح سخن زمخشری، با ذکر مثال، تمامی معانی «مِن» را به ابتدای غایت برمی‌گرداند. وی معتقد است در معنای «تبعیض»، ابتدای غایت، «بعض» و انتهای آن، «کل» است. همچنین در معنای «تبيين»، تخصیص ذکر شده بعد از حرف «مِن»، در

حقیقت ابتدای غایت تخصیص است. البته در هریک از این دو معنا، انتهای غایت، مورد نظر متکلم نمی‌باشد (ر.ک: ابن یعیش، ۱۴۲۲، ج ۴: ۴۶۱). مرادی نیز، می‌گوید اغلب علمای نحو، معنای گوناگون گفته شده برای «من» را قبول ندارند و آن‌ها را به ابتدای غایت برمی‌گردانند؛ تا جایی که از نظر مبرد، ابن سراج و اخفش اصغر، برای «من» معنایی جز ابتدای غایت وجود ندارد (مرادی، ۱۹۷۳: ۳۱۵).

بنابراین می‌توان گفت معنای اصلی و محوری حرف «من»، ابتدائیت است؛ به گونه‌ای که اگر نگوییم این معنا تنها معنای آن است، حداقل باید گفت، «ابتدای غایت» در تمامی معانی دیگر حضور دارد و سایر معانی را باید به گونه‌ای از آن برداشت کرد.

۲-۲- معنای لغوی «دون»

اهل لغت، «دُون» را از ریشه سه حرفی «دون» به معنای پایین، حقیر، نزدیک، غیر و ناقص نسبت به دیگری، دانسته‌اند.

ابن منظور، آن را ظرف دانسته و معنایش را نقیض فوق، می‌نویسد. سپس با استناد به گفتار بعضی علمای نحو، برای «دون» ۹ معنا قائل است؛ هرچند در نهایت برای آن ۱۰ معنا می‌آورد؛ قبل، جلو، پشت، زیر، بالا، جدا شده از مردم و دیگران، شریف، امر، وعید و اغراء (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۱۶۴-۱۶۶؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۳: ۱۲۷). فرآء، علاوه بر این معانی، معنای بعد و نزد را نیز ذکر می‌کند (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸: ۲۰۹).

البته برای این لغت، معانی دیگری نیز گفته شده است: «استثناء»، «فقط»، «لا سوی»، «بدون در نظر گرفتن و رعایت چیزی». همچنین معنای «لا» نیز با استناد به «أَنَا مُتَعَجِّبٌ مِنْ فَضْلِكَ دُونَ عِلْمِكَ؛ من از بزرگی و فضیلت تو در شگفتم نه از دانش و علم تو»، برای این کلمه پذیرفته شده است (بستانی، ۱۳۷۵: ۴۰۲).

برخی، معنای «تحقیر» و «تقریب» را هم برای «دون» به کار می‌برند؛ ابن سبیده می‌نویسد، «دون» برای هر دو معنای تحقیر و تقریب به کار می‌رود و به جهت ظرفیت

منصوب است که البته می‌تواند اسم باشد و قبل از آن حرف جر بیاید؛ مانند این آیه از قرآن کریم: ﴿وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ﴾ (قصص/۲۳) (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۱۶۴).
راغب می‌گوید، بعضی معتقدند «دون»، مقلوب دَنُو است. «هو دونه»، به معنای او پایین‌تر، کم‌تر و یا نزدیک‌تر از آن است (ر.ک: راغب، ۱۴۱۲: ۳۲۴). معجم مقاییس اللغة، معنای اصلی این واژه را «نزدیکی» می‌داند و «هذا دون ذاك» را به، «او نزدیک‌تر به آنست»، معنا می‌کند. همچنین برای استعمال این واژه، در معنای تحذیر و اغراء، به «دَوْنَكُهُ»، اشاره می‌کند که به معنای «آن را بگیر، به آن نزدیک شو و یا آن را نزدیک خودت ببر»، است. او با بیان این که برای تحقیر چیزی می‌توان از واژه «دَوْنِ»، استفاده کرد، معنای تحقیر را هم به طور ضمنی برای این ریشه می‌پذیرد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۱۷).

با توجه به آراء فوق، معانی مختلفی که در کتاب‌های لغت برای این واژه به صورت انفراد یا ترکیب آمده، این گونه است: پایین و زیر، بالا، قبل، بعد، جلو، عقب و پشت، نزدیکی، مغایرت، حقیر و از چشم افتاده، شریف، ضعف و سستی، جدا شده، ناقص از دیگری، امر، وعید و اغراء، بدون، به جز، فقط و به معنای نفی. در مقام جمع‌بندی نهایی، می‌توان نظر صاحب التحقیق، را پذیرفت. وی معتقد است معنای مشترک و اصل واحد در ریشه «دون»، مغایرت به همراه پایین بودن در رتبه است و به همین مناسبت است که معانی نزدیکی، حقارت، فرومایگی، ضعف، سستی و معنای پایین، از آن فهمیده می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۲۸۵).

۲-۳- معنای لغوی عبارت «من دون الله»

با در نظر گرفتن آنچه در مورد معنای «من» و «دون» بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که هر نوع مغایرتی با خداوند را با «من دون الله» بیان نمی‌کنند؛ بلکه مغایرتی اراده می‌شود که تأکید به نبودِ الله و جدایی از او، لحاظ شده، به طوری که ابتدای غایتی که «من» از آن حکایت می‌کند، «دون الله» است. به تعبیر دیگر «از جانب خدا» آغاز نشده است و با

خداوند ارتباطی ندارد بلکه از مرتبه پایین‌تر از خداوند که ماسوی است، نشأت می‌گیرد. کشف این معنا، با دقت در تعبیر مقابل «من دون» نیز روشن می‌گردد. شاید بتوان گفت «مِنْ عِنْدَ اللَّهِ» (بقره/ ۷۹؛ بقره/ ۸۹؛ بقره/ ۱۰۱؛ بقره/ ۱۰۳؛ آل عمران/ ۳۷؛ آل عمران/ ۷۸؛ آل عمران/ ۱۲۶؛ آل عمران/ ۱۹۵؛ آل عمران/ ۱۹۸؛ نساء/ ۷۸؛ انفال/ ۱۰؛ نور/ ۶۱؛ قصص/ ۴۹؛ فصلت/ ۵۲) و «مِنْ لَدُنْ» (نساء/ ۶۷؛ هود/ ۱؛ کهف/ ۶۵؛ مریم/ ۱۳؛ طه/ ۹۹؛ انبیاء/ ۱۷؛ نمل/ ۶؛ قصص/ ۵۷)، بهترین ترکیباتی هستند که استعمال قرآنی آنان دقیقاً در برابر «من دون الله» است و لذا دقت در معنای آنان، دستیابی به مقصود این نوشتار را آسان‌تر می‌نماید.

لغت شنا سان، «عند» را ظرف مکان و گاهی زمان، به معنای حضور و نزدیکی (ابن هشام، ج ۴: ۴۴۰) و «لندن» را اخص از این معنا دانسته‌اند (راغب، ۱۴۱۲: ۷۳۹)؛ به گونه‌ای که اگر بخواهیم بگوییم «مالی نزد ما است»، تنها در صورتی که آن مال اکنون حاضر باشد، می‌توانیم از «لندن» استفاده کنیم؛ در غیر این صورت می‌بایست از «عند» استفاده نماییم (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۹۵). در این صورت «من عند/ من لندن»، اگر برای خداوند متعال به کار رود، به معنای «از جانب خدا» و «آغاز شده از سوی خدا» (ابن هشام معنای ابتداء غایت را برای لندن لازم می‌شمارد؛ رک: ابن هشام، ج ۴: ۴۴۰) است؛ به گونه‌ای که این حضور و اتصال دائماً برقرار بوده و دچار انقطاع و انفصال نگردد؛ یعنی دقیقاً همان معنای موردنظر مترجمان این جستار که برای ترجمه «من عند الله» به کار برده‌اند (فقط شعرانی و معزی در ترجمه آیاتی که در آنها «من عند الله» به کار رفته است از الفاظ «جانب/ طرف/ سو» استفاده نکرده و تمامی موارد را به صورت «از نزد خدا» ترجمه نموده‌اند). البته به نظر می‌رسد، تعبیر «از جانب خدا»، برتری دیگری نیز دارد؛ زیرا لفظ «جانب» در زبان فارسی هم به معنای «سمت و سو» است و هم به معنای «پهلوی، کناره و ناحیه» که معنای اخیر به خوبی بر «ابتداء غایت» تأکید می‌کند.

در مقام مقایسه، میان «من عند/ من لندن» و «من دون»، باید گفت که همگی دارای معنای غیریت هستند؛ اما اولی به نزدیکی و اتصال به ساحت ربوبی، تأکید می‌کند، در حالی که دومی انفصال از این ساحت را می‌رساند. به عبارت دیگر، اگرچه معنای

«غیریت» اعم از «انفصال» و «اتصال» است؛ غیری که مورد تأیید پروردگار بوده و در راستای اذن و رضایت وی باشد، با «من عند/من لدن» بیان می‌شود؛ اما غیری که مورد تأیید و رضایت پروردگار نباشد با «من دون»، بیان می‌شود. در این صورت شاید بتوان گفت عبارت «من دون الله» تا حدودی معادل عبارت «من عند غیرالله» است (به عنوان نمونه: قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۸: ۳۴۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۱: ۸۲).

این تشابه را می‌توان در آیاتی که در مورد مبدأ قرآن سخن به میان آمده، مشاهده نمود؛ به طوری که هم «من دون الله» بودن (یونس/۳۸؛ هود/۱۳) و هم «من عند غیرالله» بودن قرآن (نساء/۸۲)، مردود اعلام شده است.

در نتیجه عبارت «من دون الله» می‌بایست به گونه‌ای معنا شود که معنای انفصال در آن مشهود باشد؛ عباراتی نظیر «بدون اذن خدا» که در آن معنای مورد اشاره در قالب لفظ «اذن» تفسیر شده (به عنوان نمونه: طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۴۵۸؛ نسفی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۸۹) یا «به فرض نبود خدا» که از استعمال راغب در ذیل بحثی در تفاوت استطاعت و قدرت (راغب، ۱۴۱۲: ۵۳۰) بدست می‌آید و یا «از جانب غیر خدا / از غیر جانب خدا» که در مقابل معنای عبارت «من عند الله» قرار داشته و معادل ترجمه «من عند غیرالله» می‌باشد (ر.ک: نساء/۸۲ ترجمه صفوی، فولادوند، حدادعادل)، به معنای مورد نظر، بسیار نزدیک است.

لازم به ذکر است که بررسی استعمالات «من دون» در کتب لغت نشان می‌دهد در موارد زیادی «من دون» به معنای «بدون» نیز، به کار رفته است؛ به طوری که در این استعمالات غیر از این معنا، معنای دیگری نمی‌توان تصور کرد. عبارات «من دون ضبط» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۰۹)، «من دون التکلم» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۷۵)، «من دون تأمل» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۴۵)، «من دون استحقاق» (مدنی شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۰۷)، «من دون توبه» (مدنی شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۸: ۲۴۴)، «من دون قصد الانتهاء» (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸: ۵۵۲) و «من دون تحفظ» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۲)، از این قبیل هستند. در مورد این معنا، توجه به تفاوت کاربرد «من دون» هنگامی که در مورد خدای متعال به کار می‌رود

با هنگامی که در ارتباط با مخلوقات استعمال می‌شود، ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا در استعمال اول از آنجا که ساحت ربوبی غیر از عالم ماده و جسمانیت است، تأکید بر معنای ابتدای غایت برای حرف «من» کلیدی می‌باشد؛ اما این تأکید، در سایر استعمالات چندان ضروری نیست. بر این اساس اگرچه عبارت «من دون»، به صورت «بدون» و یا حتی گاهی به صورت «به جای» (به عنوان نمونه ر.ک: اعراف/۸۱؛ آل عمران/۲۸)، می‌تواند معنا شود، اما این معنا برای عبارت «من دون الله» صحیح نیست.

۳- بررسی ترجمه‌های «من دون الله»

بررسی ترجمه همه آیاتی که عبارت «من دون الله» در آن به کار رفته از حوصله این نوشتار خارج است و موجب اطناب مخل می‌گردد. در این نوشتار ۷ آیه از قرآن کریم که اثرات کلامی مهمی دارند، انتخاب شده است و ترجمه‌های منتخب از قرآن کریم، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

۳-۱- ﴿مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ (بقره/۱۰۷)

مترجمان، برای عبارت «من دون»، که حال برای «ولی» (عکبری، ج ۱: ۳۶) یا متعلق به حال محذوف برای «ولی» است (کرباسی، ج ۱: ۱۴۶)، این واژه‌ها را انتخاب نموده‌اند: الف) «جز»: آیتی، مکارم شیرازی، معزی، رضایی، فولادوند، فیض الاسلام، صفوی، حدادعادل، صفارزاده.

ب) «از جز»: شعرانی.

این آیه از قرآن کریم، درست بعد از مطرح شدن موضوع نسخ آیات، آمده است و خدای متعال در مقام بیان سلطه و فرمانروایی خویش، اعلام می‌دارد که هرگونه که بخواهد می‌تواند در آسمان‌ها و زمین تصرف کند؛ زیرا مالکیت همه چیز به دست اوست و هیچ‌کس، ملکیتی هم‌عرض و مستقل ندارد تا مانع تصرف خدا شود. اگر هم

از جانب او به کسی تملیکی صورت گرفته باشد، ملکیت خداوند، زائل نشده و همچنان مالک و بلکه املک است (طباطبایی، ج ۱: ۲۵۱ و نیز رک: بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۹۹). لذا آیه در مقام بیان املکیت خداوند است، نه انکار مالکیت دیگران که در جهان واقع با آن روبرو هستیم. در ادامه نیز اگر هرگونه «ولی» و «نصیر» انکار می‌گردد، در مقام انکار مطلق ولایت و نصرت دیگران نیست؛ بلکه ولایت و نصرتی که با اذن و رضایت خداوند نبا شد، مورد انکار واقع شده است. وجود ولایت و نصرت برای غیر خداوند علاوه بر تحقق آن در خارج، در آیات دیگری از قرآن کریم همچون آیه ۸۰ سوره اسراء، ثابت شده است؛ در این آیه نصرت از غیر خدا با قید «من لدنک»، مورد تأکید قرار گرفته است. همین بیان در آیه پنجم سوره مریم از زبان حضرت زکریا در مورد «ولی» با قید «من لدنک» بیان شده است. در آیه دیگری (نساء/۷۵) کلمه ولی و نصیر در یک آیه، همراه با «من لدنک» به کار رفته است.

بنابراین، باید گفت ترجمه دقیق آیه ۱۰۷ سوره بقره و سایر آیاتی که عبارتی شبیه به آن دارد (نساء/۱۲۳ و ۱۷۵؛ توبه/۱۱۶؛ کهف/۲۶ و ۴۳؛ عنکبوت/۲۲؛ احزاب/۱۷؛ شوری/۳۱)، تنها با در نظر گرفتن تفاوت معنایی «من دون» با «من لدن» و نیز توجه به معنای اصلی حرف «من» که پیش از این، به آن اشاره شد، امکان پذیر است. بر این اساس استفاده از ترکیب «جز خدا»، به عنوان ترجمه، صحیح نبوده و دقایق معنایی را منتقل نمی‌کند. بهتر است این بخش، به صورت «از غیر جانب خدا»، ترجمه شود؛ در نتیجه ترجمه بخش آخر این آیه اینگونه پیشنهاد می‌شود: «برای شما از غیر جانب خدا هیچ سرپرست و یآوری نیست».

۳-۲- ﴿لَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا آَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (آل عمران/۶۴)

ترجمه‌های ارائه شده برای ترکیب «من دون» که متعلق به صفت محذوف برای ارباب است (درویش، ج ۱: ۵۲۷)، از تنوع بیش‌تری نسبت به آیه قبل برخوردار است؛ واژه‌های انتخاب شده عبارتند از:

الف. «سواي»: آيتي؛

ب. «به جای»: حدادعادل، صفارزاده، صفوی و فولادوند؛

ج. «غير از»: مكارم شيرازي؛

د. «به غير»: رضايي؛

هـ. «جز»: فيض الاسلام و معزي؛

و. «از جز»: شعراني.

به نظر می‌رسد، اصلی‌ترین دلیلی که مترجمان را واداشته است در ترجمه «من دون» در آیه فوق، بر معنای غیریت تأکید نمایند، عدم توجه به گستره معنایی «رب» در لغت است؛ به گونه‌ای که گمان نموده‌اند، ارباب در این آیه، حتماً اموری در مرتبه خدای متعال هستند که مورد پرستش قرار گرفته‌اند. روشن است که «اتخاذ رب» با «پرستش رب» به عنوان ترجمه‌ای برای «نعبد» که فقط به خدای متعال اختصاص دارد، متفاوت است و این بدان معنا نیست که تنها و تنها خدای متعال به عنوان مصداق معنای لغوی واژه رب از جانب مردم، اخذ می‌گردد. همچنین احتمالاً عبارت «أَلَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ» که پیش از آن آمده است، بر این گمان دامن زده و باعث گردیده، «ارباب» به جای «الله» دانسته شود و «من دون الله» به همان معنای «الا الله» و «غير الله»، ترجمه گردد. در حالی که می‌دانیم علاوه بر گسترده معنایی «رب» در کتب لغت (ابن منظور، ج ۱: ۳۹۹) و تأکید بر معنای «مالک» برای آن بر اساس منابع لغوی متقدم (خوانین زاده و نجارزادگان: ۴۳)، حتی استعمال قرآنی این واژه نیز اختصاصی به خدای متعال ندارد (یوسف / ۴۱ و ۴۲ و ۵۰؛ و نیز ر.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۱۶۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵: ۲۲۵) و در نتیجه باید گفت علاوه بر

بررسی معنای عبارت «من دون الله» و نقد ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم — رضا رهنما و محمد پارچه‌باف دولتی

معنای غیریتی که مورد تأکید مترجمان واقع شده است، می‌بایست معنای «از جانب خدا نبودن» و «بدون خدا در نظر گرفتن» نیز، مورد توجه قرار گیرد و به گونه‌ای ترجمه شود که این معنا را برساند: «تحت ربوبیت کسی که از خدا اذن ندارد، نروید»؛ نه آن که «کسی را به جای الله، خدا قرار ندهید». در نهایت برای این بخش از آیه: ﴿لَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾، این ترجمه پیشنهاد می‌گردد: «بعضی از ما، بعضی دیگر را از غیر جانب خدا به ربوبیت نگیرد.»

۳-۳- ﴿يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُ وَمَا لَا يَضُرُّهُ﴾ (حج/۱۲)

ترجمه‌های ارائه شده برای ترکیب «من دون» که متعلق به حال محذوف برای «ما» (علوان، ج ۳: ۱۴۶۸؛ دعاس و دیگران، ج ۲: ۳۰۴) یا متعلق به فعل «یدعوا» است (کرباسی، ج ۵: ۲۵۶) عبارتند از:

الف. «جز»: فیض الاسلام، معزی و مکارم شیرازی؛

ب. «به جای»: حدادعادل، صفارزاده، صفوی و فولادوند.

ج. «سوای»: آیتی؛

د. «غیر از»: رضایی؛

هـ. «از غیر»: شعرانی.

م. مشاهده می‌گردد که در این آیه نیز همچون آیات پیشین، تأکید مترجمان بیش‌تر بر معنای غیریت است، در حالی که باید دانست از آنجا که «مفعول به» فعل یدعو، دارای صله است و صله نیز به منزله جزء موصول است (ابن هشام، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۵۵)، عبارات «ما لا یضره» و «ما لا ینفعه» می‌بایست، یک‌جا ترجمه شود. به عبارت دیگر، ظاهر آیه در مقام اشاره به ضلالت موجود در خواندن چیزهایی است که سود و ضرری ندارد. خواندن بت‌ها نیز، از آن جهت که کاری نمی‌تواند انجام دهند، هیچ سود و ضرری ندارد؛ البته اگر گمان شود که وسیله تقرب به خدا هستند (زمر/۳)، در این صورت

خواندن آن‌ها اگرچه به خودی خود بی‌فایده و بدون ضرر است، اما باعث می‌گردد انسان از مسیر حق غافل شده و در نتیجه گمراه شود (حج/۱۲). همچنین به نظر می‌رسد منشأ دیگر اشتباه مترجمان، به فعل «یدعوا» باز می‌گردد که برخی آن را «پرستش کردن»، ترجمه نموده‌اند. (صفوی و فیض‌الاسلام) در حالی که ترجمه صحیح آن «خواندن» است (راغب، ۱۴۱۲: ۳۱۵). بنابراین می‌توان گفت، با در نظر گرفتن معنای «غیریت» برای «دون»، در این آیه «خواندنِ غیر» گمراهی دانسته شده که از سوی خدا صاحب مقام نبوده و در نتیجه سود و ضرری در خواندنِ وی وجود ندارد؛ عبارت «من دون الله» نیز، اگر به صورت «از غیر جانب خدا» ترجمه شود، معنا به واقعیت نزدیک‌تر است. با این ترجمه، دیگر لازم نیست با آوردن قیدی همچون «خدا انگاشتن» و ترجمه به صورت «آنچه جز او به خدایی می‌خوانند» (آیتی)، به دفع شبهات احتمالی پرداخت. ضمن این که اساساً، آوردن این قیدها مجوز می‌خواهد؛ خصوصاً اگر با معنای آیه همخوانی نداشته باشد؛ زیرا همان‌طور که گفته شد این آیات، فقط در مقام بیان باطل بودن خدایان دیگر نیست؛ بلکه در مقام بیان بطلان همه آن چیزی است که از خدا آغاز نشده و اذن و رضایت او را به همراه نداشته باشد. این معنا را به راحتی می‌توان از «من» استخراج نمود؛ چه این‌که، بسیاری از حقایق همچون انبیاء الهی، کتب آسمانی و وعده‌های الهی اگرچه غیر از خدا هستند، اما امور باطلی نیز نیستند (ر.ک: آل عمران/۸۲؛ یونس/۵۵؛ کهف/۲۱؛ جاثیه/۳۲).

در نهایت برای این بخش از آیه، با توجه به متعلق «من دون»، دو ترجمه پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- اگر «من دون» متعلق به فعل «یدعوا» باشد: «از غیر جانب خدا چیزی را می‌خواند که نه زیانی به او می‌رساند و نه به او بهره‌ای می‌دهد.»
- ۲- اگر «من دون» متعلق به حال محذوف برای «ما» باشد: «چیزی را می‌خواند که از جانب غیر خدا است و نه زیانی به او می‌رساند و نه به او بهره‌ای می‌دهد.»

۳-۴- ﴿وَجَدْتُهَا وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (نمل/۲۴)

زمانی که هدهد، پس از مدتی غیبت به محضر حضرت سلیمان علیه السلام می‌رسد، بیان می‌دارد که ملکه سبأ و قومش را این‌گونه یافتم که بر خورشید سجده می‌کردند. تعبیر «من دون الله» دقیقاً، بعد از این سخن آمده است. مترجمان، برای ترجمه این عبارت که حال برای «شمس» (درویش، ج ۷: ۱۹۲) یا به تعبیر صحیح‌تر متعلق به حال محذوف برای «شمس» است (علوان، ج ۳: ۱۶۶۴)، از این واژه‌ها استفاده نموده‌اند:

الف. «به جای»: آیتی، حداد عادل، صفارزاده، صفوی و فولادوند؛

ب. «از جز»: شعرانی؛

ج. «غیر»: رضایی و مکارم شیرازی؛

د. «نه»: معزی؛

هـ. فیض الاسلام نیز معادلی برای «من دون الله» ارائه نکرده است.

با توجه به آنچه تاکنون بیان شد، به نظر می‌رسد ترجمه صحیح «من دون الله» در این آیه، این معنا را باید برساند که سجده در برابر خورشید در حالی صورت می‌گرفته است که مقصود نهایی از آن، پروردگار متعال نبوده است؛ از یک طرف روشن است که «سجده کردن» به عنوان عملی مادی ضرورتاً دارای سمت و سویی است و نمی‌تواند از «رو به سوی جسم بودن» خالی شود؛ از سوی دیگر از امر خدای متعال به ملائکه در مورد سجده به حضرت آدم علیه السلام (بقره/۳۴؛ اعراف/۱۱؛ اسراء/۶۱؛ کهف/۵۰؛ طه/۱۱۶) و نیز سجده برادران حضرت یوسف علیه السلام بر ایشان (یوسف/۱۰۰)، در می‌یابیم که سجده به سوی غیر خدا اگر برای پرستش نباشد، بدون اشکال است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱: ۲۴۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۳۰، طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۱: ۹۸).

توجه به معنای لغوی سجده نیز، این امر را تقویت می‌کند؛ زیرا لغت‌شناسان از جمله جوهری و فیروزآبادی معتقدند، ماده «سجد» به معنای خضوع است (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۲: ۴۸۳؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۴۱۵).

ترجمه پیشنهادی برای این بخش از آیه عبارت است از: «او و قومش را یافتم که برای خورشید از غیر جانب خدا سجده می‌کنند»

۳-۵- ﴿أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ﴾ (زمر/۴۳)

ترجمه‌های ارائه شده برای ترکیب «من دون» که متعلق به حال مقدم محذوف برای «شفعاء» است (کرباسی، ج ۷: ۵۱)، در آیه فوق عبارتند از:

الف. «جز»: فیض الاسلام، صفوی. معزی؛

ب. «غیر از»: رضایی، فولادوند و مکارم شیرازی؛

ج. «از غیر»: شعرانی؛

د. «سواي»: آیتی؛

هـ. «به جای»: حدادعادل؛

و. «بت‌ها»: صفارزاده.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، باز هم بیش‌ترین تمرکز ترجمه‌ها بر استفاده از کلمات «جز» و «غیر» و تأکید بر معنای غیریت است؛ بدین گونه که «غیر از خدا را شفیع گرفتن»، ممنوع است. بر این اساس، این آیه اجازه مراجعه بندگان به غیر از خدا را سلب می‌کند؛ اما به نظر می‌رسد، این آیه به دنبال بیان این مطلب نیست و کاملاً در راستای تبیین قرآنی مسئله شفاعت (بقره/۲۵۵؛ یونس/۳؛ و نیز رک: ملکی میانجی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۹) و تأکید بر این مطلب است که شفاعت، تنها از آن کسانی است که از طرف خداوند بوده و اذن الهی را به همراه داشته باشند. شاید به همین دلیل مفسران غالباً برای توضیح این آیه و هماهنگی آن با سایر آیات شفاعت، عبارت «من دون الله» را به «من دون اذنه»، تفسیر کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۱۳۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۲: ۲۶۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۶: ۴۵۶).

به نظر می‌رسد، این تفسیر هماهنگ‌ترین معادلی است که برای عبارت «من دون» در این آیه می‌توان به کار برد؛ زیرا همان طور که بیان شد این آیه، در صدد انکار مقام شفاعت دیگران و یا حتی تأکید بر انحصار مالکیت حقیقی شفاعت در خدای متعال نیست؛ بلکه مذمتی است بر شفیع گرفتن کسانی که مقام شفاعت خود را از خدای متعال نگرفته و در نتیجه، دارای این مقام نیستند.

ترجمه پیشنهادی عبارت است از: «آیا شفاعت گرانی که از غیر جانب خدایند برای خود گرفته‌اند؟».

۳-۶- ﴿فَأَرْوِي مَا ذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ﴾ (لقمان/۱۱)

پس از این که خدای متعال در آیات قبل، خلقت آسمان‌ها و زمین را توضیح می‌دهد، در این آیه بر خالقیت خود تأکید کرده و از منکران، در مورد خالقیت کسانی که «من دونه» هستند، سوال می‌کند. مترجمان عبارت «من دون» را که متعلق به صله محذوف برای «الذین» است (علوان، ج ۳: ۱۸۰۰)، این گونه ترجمه نموده‌اند:

الف. «غیر»: آیتی، حداد عادل، رضایی، صفوی و مکارم شیرازی؛

ب. «غیر از»: فولادوند؛

ج. «از غیر»: شعرانی؛

د. «جز»: فیض الاسلام و معزی؛

هـ. صفارزاده نیز به صورت «بت‌ها» ترجمه کرده است.

شاید مهم‌ترین امری که در این جا نیز مترجمان را به استفاده از الفاظی که تنها بر معنای غیریت دلالت می‌کنند، سوق داده، این گمان است که خالقیت، منحصر در خدای متعال است. در حالی که می‌دانیم، قرآن کریم در آیات مرتبط با حضرت عیسی علیه السلام به صراحت خالقیت را به ایشان نسبت داده و آن را در کنار زنده کردن مردگان و خبر دادن از پنهانی‌ها، از نشانه‌های نبوت ایشان بر شمرده است (آل عمران/۴۹؛ مائده/۱۱۰؛

و نیز ر.ک: ملکی میانجی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۲۴۹). همچنین خداوند، خود را با وصف «احسن الخالقین»، معرفی نموده است (مومنون/۱۴) که به روشنی بر عدم اختصاص خلقت به پروردگار متعال، دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۲۲؛ طوسی، بی تا، ج ۷: ۳۵۴). همچنین لغت‌شناسان معنای اصلی خلقت را تقدیر و اندازه‌گیری دانسته‌اند (راغب، ۱۴۱۲: ۲۹۶)، بر این اساس مانعی وجود ندارد که برخی مخلوقات الهی با اذن پروردگار از مقام خالقیت برخوردار باشند.

تعبیر «باذنه» (آل عمران/۴۹) و «باذنی» (مائده/۱۱۰) که قرآن کریم در مورد خالقیت حضرت عیسی علیه السلام به کار برده است، دلالت بر همین امر دارد. ترجمه پیشنهادی برای «ما ذا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ»، عبارت است از: «کسانی که از غیر جانب او هستند چه چیزی آفریده‌اند؟».

۳-۷- ﴿اتَّبِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾ (اعراف/۳)

خدای متعال در این آیه، به انذار مردم پرداخته و آنان را از تبعیت «من دونه» به عنوان «اولیاء» بر حذر می‌دارد. مترجمان، عبارت «من دون» را که حال برای «اولیاء» است (عکبری، ج ۱: ۱۵۹)، این‌گونه ترجمه نموده‌اند:

الف. «از غیر»: صفوی؛

ب. «غیر از»: صفارزاده؛

ج. «جز»: حدادعادل، رضایی، فولادوند، معزی و مکارم شیرازی؛

د. «از جز»: شعرانی و فیض الاسلام؛

هـ. «سواى»: آیتی.

با توجه به این‌که در بخش ابتدایی این آیه، به تبعیت از «ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ» امر شده که به روشنی امری غیر از «وَبِكُمْ» است، در این صورت می‌توان گفت اساساً این آیه

درصدد انکار تبعیت از غیر خداوند نیست؛ بلکه در مقام بیان تقابل میان «من ربکم» و «من دونه» است، به گونه‌ای که اولی حکایت از اموری می‌کند که از جانب خدای متعال آمده و اذن و رضایت الهی به همراهشان است، اما دومی در مقام انکار کسانی است که ارتباطی با خداوند نداشته و از جانب او مأذون نیستند. عدم توجه به این تقابل، باعث شده است برخی از مترجمان، برای اصلاح ترجمه خود و تطبیق آن با سایر آیات قرآن که در آن‌ها دایره اولیاء شامل دیگران نیز می‌شود (به عنوان نمونه: مائده/۵۵)، «ولی» را در این آیه به صورت «معبود» ترجمه کنند (صفارزاده، فولادوند، مکارم شیرازی، رضایی). در حالی که زمخشری برای ریشه ولی، تنها دو معنای اصلی بیان کرده است؛ یکی «نزدیکی و پیایی بودن» و دیگری «حق تصرف و سرپرستی» (زمخشری، ۱۳۹۹: ۶۸۹). راغب نیز «ولی» را کسی می‌داند که سرپرست امور شخص دیگری شود (راغب، ۱۴۱۲: ۸۸۷). ترجمه پیشنهادی برای «لَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ» عبارت است از: «از سرپرستانی که از غیر جانب او هستند، تبعیت نکنید».

۴- نتیجه گیری

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان نتایج زیر را برای پاسخ به سؤالات این پژوهش بدست آورد:

۱- لغت شناسان، «دون» را به معنای «غیری که در رتبه پایین تر قرار دارد» دانسته و معنای «ابتدای غایت» را نیز در تمامی معانی ممکن برای حرف «من» لحاظ کرده‌اند. بر این اساس و از آن جا که در ترکیب «من دون الله»، همواره امری مخلوقی با خداوند متعال مقایسه می‌گردد، می‌بایست به گونه‌ای «علو شأن و مقام پروردگار» که در مقابل معنای «تنزل» که در واژه «دون» است و همچنین معنای «ابتدائیت» که در حرف «من» وجود دارد، لحاظ گردد. اما مشاهده گردید که اکثر مترجمان بدون توجه به این دو معنا

و نیز بدون توجه به جایگاه نحوی ترکیب «من دون»، تنها تلاش کرده‌اند، به گونه‌ای معنای «غیریت» را در ترجمه لحاظ نمایند.

۲- به نظر می‌رسد استعمال قرآنی دو عبارت «من عند» و «من لدن»، دقیقاً در برابر «من دون» قرار دارد. این دو ترکیب، هنگامی که در مورد خدای متعال به کار می‌رود، به معنای «از جانب خدا» و «آغاز شده از سوی خدا»، هستند و غالب مترجمان نیز از الفاظ «جانب/طرف/سو» استفاده کرده‌اند.

۳- عبارت «از غیر جانب خدا»، به عنوان ترجمه «من دون الله» پیشنهاد می‌گردد که با توجه به سیاق آیات، معنای «بدون ارتباط با خدا»، «بدون اذن خدا» و «با فرض نبود خدا» را می‌رساند. البته ممکن است مترجمان بتوانند، برخی آیات را با تکیه بر سایر معانی ذکر شده برای «من» و «دون» و همچنین بدون لحاظ معانی اصلی این دو واژه، ترجمه نمایند. در این صورت باید دلیل موجهی برای ترجیح معانی غیر اصلی بر معانی ارائه شود.

۵- منابع

- ۱- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق: علی عبد الباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، (۱۴۱۵ق).
- ۲- آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات سروش، (۱۳۷۴ش).
- ۳- ابن عثیمین، محمد بن صالح، تفسیر القرآن الکریم: سورة الکہف، ریاض، دار ابن الجوزی، (۱۴۲۳ق).
- ۴- ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، (۱۴۰۴ق).
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، (۱۴۱۴ق).
- ۶- ابن هشام، جمال الدین، مغنی اللیب عن کتب الأعاریب، کویت، دارالتراث العربی، (۱۴۲۱ق).
- ۷- ابن یعیش، موفق الدین، شرح المفصل، بیروت، دارالکتب العلمیه، (۱۴۲۲ق).

بررسی معنای عبارت «من دون الله» و نقد ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم — رضا رهنما و محمد پارچه‌باف دولتی

- ۸- ابوحیان، محمد بن یوسف، *البحر المحيط فی التفسیر*، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت، دارالفکر، (۱۴۲۰ق).
- ۹- ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (۱۴۲۱ق).
- ۱۰- اسدی گرمارودی، محمد، «نقد تفسیر وهابیان از آیات من دون الله»، *مطالعات تفسیری*، شماره ۲۵، صص ۴۰ تا ۶۰، (۱۳۹۵ش).
- ۱۱- بستانی، فؤاد افرام، *فرهنگ ابجدی*، مترجم رضا مهیار، تهران، انتشارات اسلامی، (۱۳۷۵ش).
- ۱۲- بغوی، حسین بن مسعود، *تفسیر البغوی*، تحقیق: عبدالرزاق مهدی، لبنان، دار احیاء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).
- ۱۳- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *انوار التنزیل و اسرار التاویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (۱۴۱۸ق).
- ۱۴- ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف و البیان*، تحقیق: ابی محمد ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (۱۴۲۲ق).
- ۱۵- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، (۱۴۰۴ق).
- ۱۶- حداد عادل، دکتر غلامعلی، *ترجمه قرآن*، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، (۱۳۹۰ش).
- ۱۷- خوانین زاده، محمد علی، *نجاززادگان*، فتح الله، «بازخوانی دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان در معنا و اشتقاق رب»، *مطالعات قرآن و حدیث*، شماره ۱۵، صص ۳۳ تا ۶۸، (۱۳۹۳ش).
- ۱۸- درویش، محی‌الدین، *اعراب القرآن و بیانه*، حمص، الارشاد (۱۴۱۵ق).
- ۱۹- دعاس، احمد عبید، حمیدان، احمد محمد، قاسم، اسماعیل محمود، *اعراب القرآن الکریم*، دمشق، (۱۴۲۵ق).
- ۲۰- راغب، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم، (۱۴۱۲ق).

- ۲۱- رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران، ترجمه قرآن، قم، مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، (۱۳۸۳ش).
- ۲۲- زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، (۱۴۱۴ق).
- ۲۳- زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغه، بیروت، دار الصادر، (۱۳۹۹ق).
- ۲۴-، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، تصحیح: مصطفی حسین احمد، بیروت، دار الكتاب العربی، (۱۴۰۷ق).
- ۲۵-، المفصل فی صنعة الاعراب، بیروت، دار و مكتبة الهلال، (۱۹۹۳م).
- ۲۶- شعرانی، ابوالحسن، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات اسلامیة، (۱۳۷۴ش).
- ۲۷- صفارزاده، طاهره، ترجمه قرآن، تهران، مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، (۱۳۸۰ش).
- ۲۸- صفوی، محمدرضا، ترجمه قرآن، قم، آبنوس، (۱۳۸۸ش).
- ۲۹- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، (۱۳۹۰ق).
- ۳۰- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة، (۱۴۱۲ق).
- ۳۱- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، تصحیح ابوالقاسم گرجی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، (۱۴۱۲ق).
- ۳۲- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، (۱۳۷۵ش).
- ۳۳- طنطاوی، محمد سید، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره، نهضة مصر، (۱۹۹۷م).
- ۳۴- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: احمد حبیب عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (بی تا).
- ۳۵- عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت، دار الآفاق الجدیده، (۱۴۰۰ق).

بررسی معنای عبارت «من دون الله» و نقد ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم — رضا رهنما و محمد پارچه‌باف دولتی

۳۶- عکبری، عبدالله بن حسین، التبیان فی اعراب القرآن، ریاض، بیت الأفكار الدولية، (۱۴۱۹ق).

۳۷- علوان، عبدالله بن ناصح، اعراب القرآن الکریم، مصر، دارالصحابة للتراث، (۱۴۲۷ق).

۳۸- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، (۱۴۲۰ق)

۳۹- فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، قم، هجرت، (۱۴۰۹ق).

۴۰- فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، محقق: هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی). تهران، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، (۱۴۱۵ق).

۴۱- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، التماموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه، (۱۴۱۵ق).

۴۲- فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه و تفسیر قرآن عظیم، تهران، انتشارات فقیه، (۱۳۷۸ش).

۴۳- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، (۱۳۶۴ش).

۴۴- کرباسی، محمدجعفر، اعراب القرآن، بیروت، دار و مكتبة الهلال، (۱۴۲۲ق).

۴۵- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، (۱۴۰۷ق).

۴۶- گلی ملک آبادی، فاطمه، خاقانی اصفهانی، محمد، شکرانی، رضا، «نقد معناشناختی بر ترجمه‌های فارسی واژه دون در قرآن کریم»، جستارهای زبانی، شماره ۳۶، صص ۲۰۷ تا ۲۳۰، (۱۳۹۶ش).

۴۷- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (۱۴۰۳ق).

۴۸- مدنی شیرازی، علی خان بن أحمد، الطراز الأول و الكناز لما علیه من لغة العرب المعول، مشهد، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، (۱۳۸۴ش).

۴۹- مرادی، حسن بن قاسم، الجنی الدانی فی حروف المعانی، بیروت، دارالافتاء الجديدة، (۱۹۷۳م).

- ۵۰- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۶۸).
- ۵۱- معزی، محمدکاظم، *ترجمه قرآن*، قم، انتشارات اسوه، (۱۳۷۲ش).
- ۵۲- مکارم شیرازی، ناصر، *ترجمه قرآن*، قم، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، (۱۳۷۳ش).
- ۵۳- ملکی میانجی، محمدباقر، *مناهج البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۴۱۴ق).
- ۵۴- نسفی، عبدالله بن احمد، *مدارک التنزیل و حقایق التناویل*، بیروت، دارالفنائس، (۱۴۱۶ق).